

مقدمه ای بر آموزش مجازی (الکترونیک)

در عصر کنونی و با گسترش روز افزون علم خصوصاً در حوزه فناوری اطلاعات و قدرت نفوذ بسیار بالای وسایل ارتباط از راه دور بر اعماق جوامع انسانی، ابزارها و روشهای آموزشی نیز دچار تحول و دگرگونی قابل ملاحظه ای گردیده اند. و این امر ضرورتاً در جهت کاربری، در سطوح بسیار وسیعتر و با ضریب بازدهی چند برابر اتفاق افتاده است. با این تفسیر که هر فرد میتواند در زمان مقتضی و ممکن، با توجه به شرایط و امکانات موجود مشخص کند که به چه صورت مشغول یادگیری شود. البته تاریخچه استفاده از رسانه الکترونیکی نزد استرالیایی ها است. ۷۵ سال پیش، کشور استرالیا بدلیل گستردگی جغرافیائی و کمبود استاد و مربی از طریق رسانه رادیو آموزشها را شروع کردند و امروزه با بودن یک تکنیسین اقدام به عمل جراحی از راه دور مینماید. در سالهای اخیر کم و بیش هر کس با مفهوم آموزش از راه دور آشنائی مختصری پیدا کرده است. در شکل ابتدائی آن آموزش بصورت مکاتبه ای بود که با دیدگاههای مختلف میتوان مزایا و نواقصی برای آن بر شمرد. در این مسیر تنها راه ارتباط فقط نامه بود. با پیشرفت تکنولوژی و کاهش هزینه ها، دانش فناوری اطلاعات نیز به یاری این امر آمد که ابزارهای جدید برای انتقال دانش مطرح گردید و با عمومی تر شدن استفاده از خطوط اینترنت این هدف بطرز جدی تری رو به گسترش میباشد.

در این راستا مباحث مربوط به آموزش الکترونیکی به عنوان یک سر فصل مجزا یا به عبارتی دانشی نوین مورد مطالعه قرار گرفت تا حدی که منجر به تولید استانداردها و متدولوژی هائی در این خصوص گردید که ضرورتاً کمک و یاری منظر سیستمی و رویکرد مهندسی، این جریان همواره رو به رشد و توسعه میباشد. تا آنجا که بسیاری از دانشگاههای معتبر دنیا از اقصی نقاط جهان دانشجو میپذیرند و فارغ التحصیلانی تحویل جامعه بشری میدهند. در ایران، گذشته از بعضی دانشگاهها که اقدام به ایجاد و ارائه چنین خدمات ارزنده ای نموده اند صرفاً cd های آموزشی در زمینه های گوناگون روانه بازار گردیده است که میبایست توجه خوانندگان را به مطالبی مهم جلب نمایم:

در این مبحث دو مفهوم وجود دارد یکی آموزش دادن (training) و دیگری یاد گرفتن (learning) در رویکرد سنتی از مفهوم اول یعنی آموزش دادن استفاده میشود و معمولاً به دلایل مختلفی افت آموزش و نبود راندمان آموزشی مناسب را شاهد بوده ایم که بر شماری دلایل، و تجزیه و تحلیل آن بحثی مجزا را میطلبد. اما در مفهوم دوم یعنی یاد گرفتن: که در این گذر فرد، خود خواهان یادگیری است و داوطلبانه قدم در این مسیر نهاده است و به همین دلیل نه تنها موانع مورد اول را ندارد بلکه در این راستا شاهد رشد و راندمان بسیار بالاتری نیز هستیم.

اگر بخواهیم آموزش سنتی و مدرن را با هم مقایسه کنیم باختصار میتوان از سه تفاوت اساسی سخن گفت:

الف- فرایند آموزشی:

در رویکرد مدرن، روش و محتوای آموزشی بصورت اختصاصی و خاص برای هر فرد تدوین میگردد اما در رویکرد سنتی یک روش و محتوا برای همگان.

ب- محل برگزاری آموزش:

در رویکرد مدرن هر مکانی که یاد گیرنده انتخاب نماید کفایت ماجرا میکند اما در رویکرد سنتی یک مکان خاص برای همگان، که عوارض و تبعات خاص خود، علی الخصوص با توجه به ازدحام و صرف هزینه ها و اتلاف انرژی های گوناگون را دارا میباشد.

ج- زمان آموزش:

در رویکرد سنتی در یک محدوده زمانی مشخص بصورت جمعی، امری ضروری و اجباری است و در روش مدرن یاد گیرنده با انعطاف پذیری بسیار بیشتری میتواند زمان را برای خود مدیریت نماید.

اما نکات دیگری نیز وجود دارد که مبنایست به آن توجه خاص نمود و در ذات خود میتوان دلایلی برای اثبات کارایی این روش نوین دانست.

۱- برای افرادی که محدودیت در تردد دارند حال یا نقص عضو و معلولیت باشد خواه محدودیت بلحاظ مکانی و زمانی مانند کسانی که امکان مسافرت به دور دست ندارند و یا ارائه آموزش مورد نظر در شهر یا کشورشان امکان پذیر نمیشد و حتی بلعکس، اینکه یک استاد و آموزگار خوب و کارآمد با تخصصی خاص، امکان حضور در همه جای دنیا را ندارد.

۲- قابلیت انتقال اطلاعات به سریعترین شکل و ارزاترین وجه ممکن.

۳- تشویق مخاطبان به آموختن استفاده از وسایل ارتباط جمعی نوین و بدست آوردن اطلاعات از این طریق.

۴- برقراری ارتباط با سیستم آموزشی در هر زمان ممکن.

۵- امکان گفتگو در همین بستر و تولید محتویات علمی و طرح موضوعات جدیدتر در جهت رشد و توسعه آموزشی و امکان تبادل اطلاعات و تجربیات فردی.